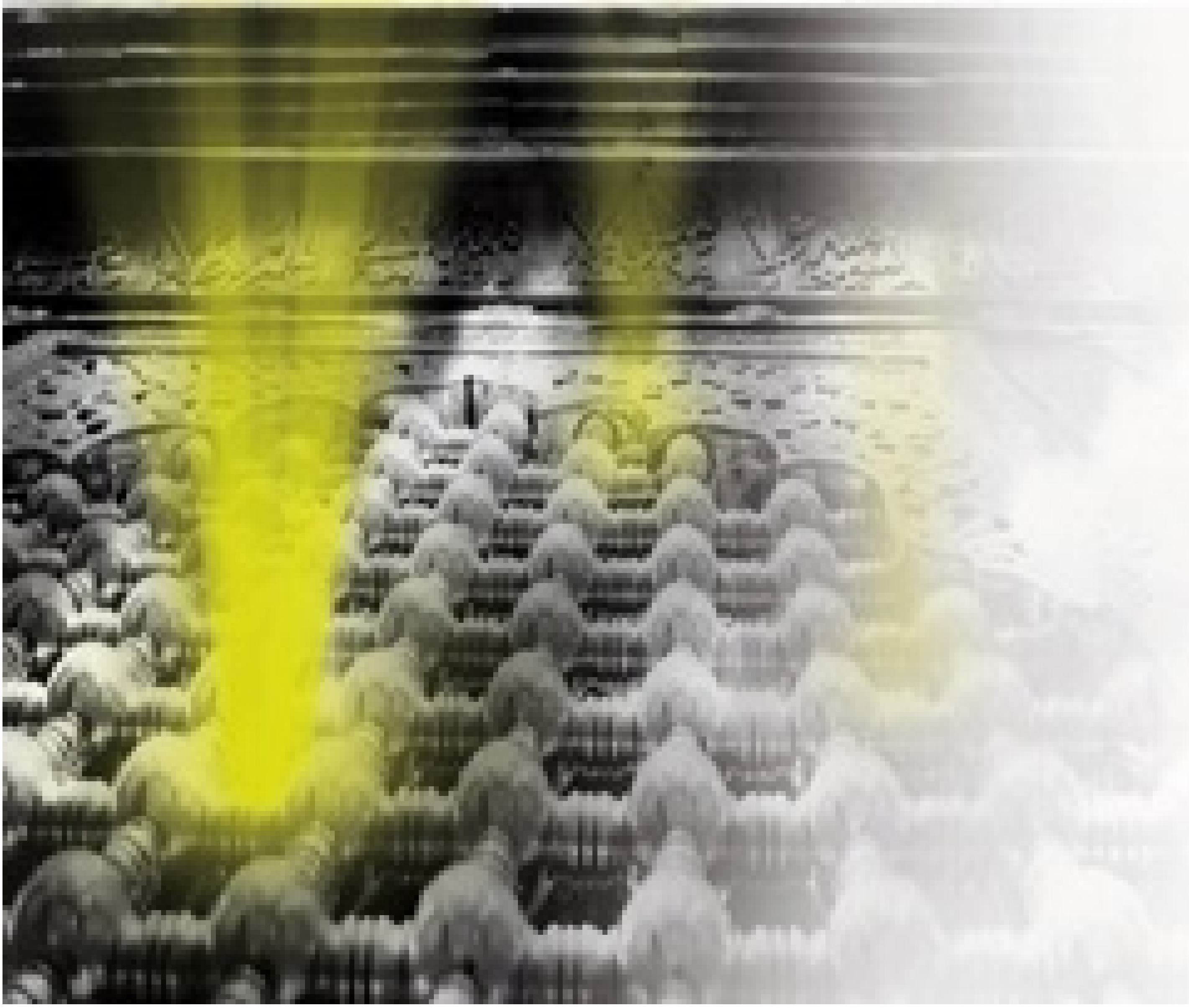
رهنما

۹۸

چرا دعایم اجابت نمی‌شود؟

عبدالله محمدی



بسم الله الرحمن الرحیم

رهنما ۹۸ (چرا دعایم اجابت نمی شود)

نویسنده:

محمدحسین پورامینی

ناشر چاپی:

انتشارات آستان قدس رضوی - به نشر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

رهنما ۹۸ (چرا دعایم اجابت نمی شود)

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: چرا دعا مستجاب نمی شود

گردآورنده آستان قدس رضوی، معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی.

مشخصات نشر : مشهد: انتشارات قدس رضوی ۱۳۹۱

فروست : رهنما ۹۸.

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۲۹۹-۰۸۱-۵

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : کتابنامه.

موضوع دینی موضوع: دعا موضوع : استجابت موضوع : دین

شناسه افزوده : آستان قدس رضوی ،معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی

شناسه افزوده : موسسه انتشاراتی قدس رضوی

رده بندی دیویی: ۶۷/ ۵۶۴

شماره کتابشناسی ملی :۳۸۸۳۲۱۴

نویسنده: عبدالله محمدی آستان قدس رضوی چاپ اول: زمستان ۱۳۹۱ معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی

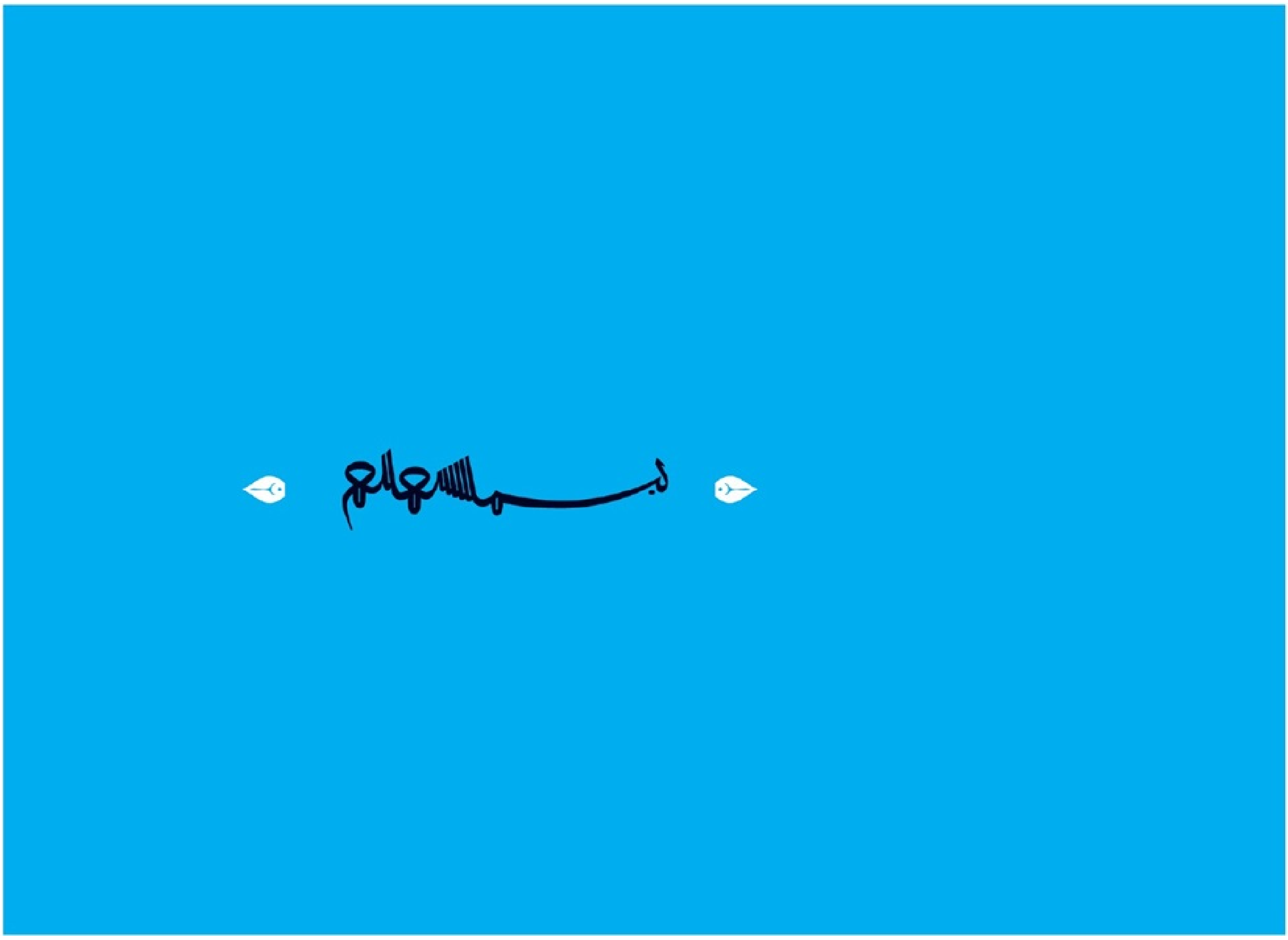
به کوشش محمدحسین پورامینی

ویراستار: محمدمهدی باقری

ص:۱

اشاره

تصویر



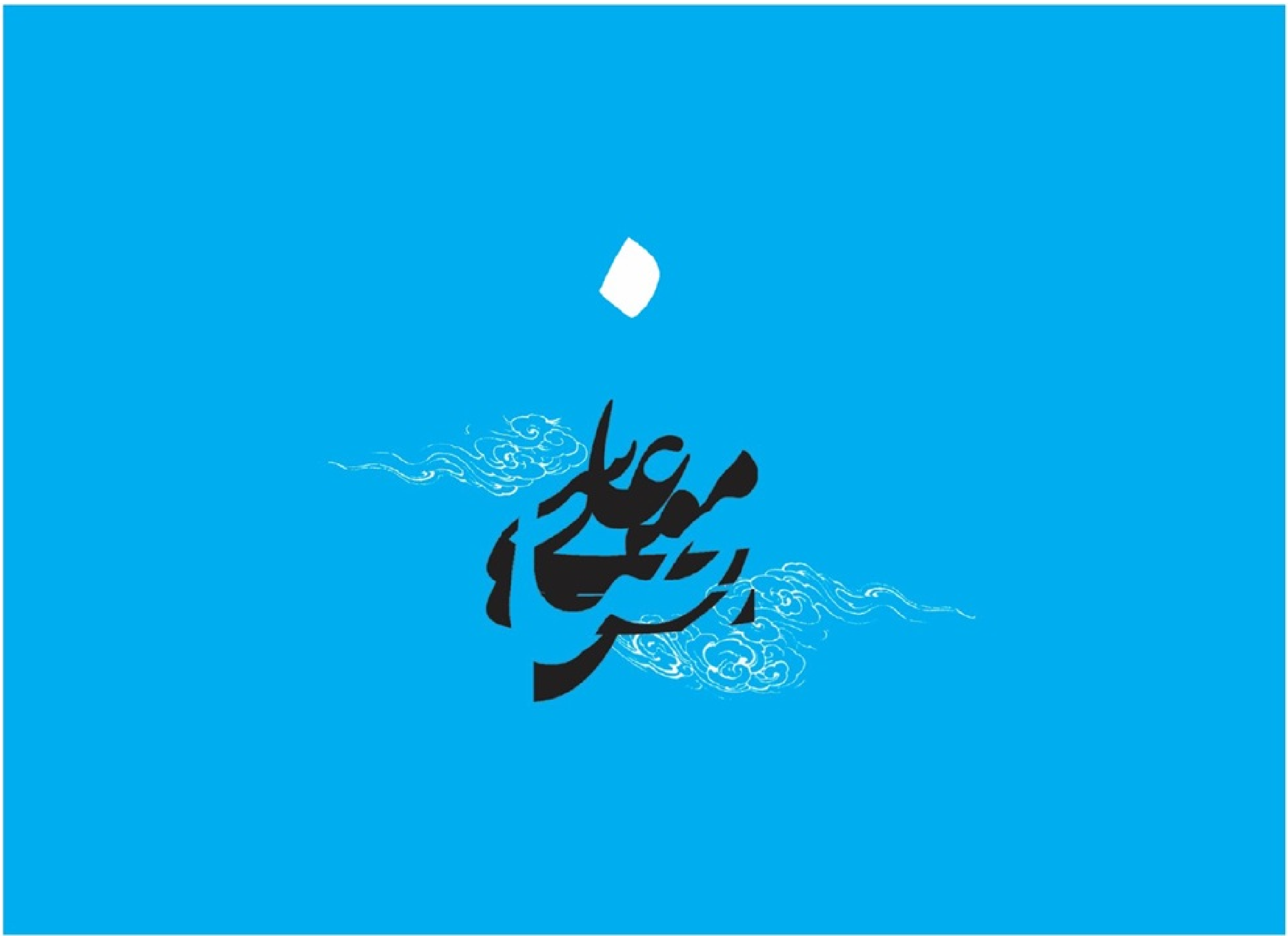
ص:۲

تصویر



پرسیدن برای یافتن راه، خود، ارزش است...
و هر فرهنگی که به پرسشگری بها دهد
و زیباترین، دقیق‌ترین و ساده‌ترین پاسخ‌ها را پیشِ رو بگذارد،
گسترش و دوام خود را تضمین کرده است.
مهم، انتخاب بهترین راه است...
و **رهنما** گامی است در این مسیر.
همگامِ ما باشید و با طرح دیدگاه‌های رنگارنگتان، یاری‌مان کنید.

تصویر



ص:۴۰

چرا دعایم اجابت نمی شود؟

برای یافتن پاسخ پرسش های زیر، مطالعهٔ متن حاضر را پیشنهاد می کنیم:

۱. حقیقت دعا چیست؟ چرا برخی دعاها مستجاب نمی شود؟

۲. رابطهٔ برآورده نشدن حاجات با حکمت الهی چیست؟

۳. سُنن الهی چه نقشی در استجابت دعا دارند؟ موانع استجابت دعا کدام اند؟

۴. براساس روایات، آداب دعا و شرایط استجابت دعا چیست؟

تصویر



ص:۶

درآمد

دعا تجلّی اظهار عجز و نیاز بندگان به درگاه خدا و نیز حقیقت عبادت است؛ از همین رو، انسان هایی که بیشتر به کمال رسیده اند و درنتیجه، فقر وجودی خویش را بیش از دیگران دریافته اند، به دعاکردن و اظهار نیاز به پروردگار بیشتر اهتمام دارند. اما نبود آگاهی کافی از مبانی دینی سبب شده برخی مؤمنان اجابت دعا را با برآورده شدن حاجات خویش مساوی بدانند. آنان گمان می کنند که درصورت برآورده نشدن حاجات، دعایشان نیز مستجاب نشده است. برهمین اساس، یک از پرسش های پُربسامد جوانان مؤمن، پرسش از چراییِ مستجاب نشدن دعاست. متأسفانه عد ه ای به همین سبب، اندک اندک خدا را با خویش بیگانه پنداشته و اهتمامشان به بندگی کم رنگ می شود.

این نوشتار می کوشد در قالبی نوین، برخی زوایای این موضوع را روایت کند: دو بخش نخست، گفت وگوی جوانان را با فردی روحانی در شب قدر به تصویر می کشد و درطول

این گفت و گو، نقش حکمت و مصلحت اندیشی الهی در مستجاب نشدن دعا معرفی می شود. در بخش سوم و چهارم، گزارش کلاسی دانشگاهی و تبادل نظر دانشجویان با استاد است. در این گزارش، رابطهٔ قوانین الهی با دعا بررسی می شود؛ همچنین به تأثیر مسائلی، همچون گناه و ظلم و...، بر مستجاب نشدن دعا اشاره شده است. بخش پنجم نیز روایت گفت و گوی صمیمانهٔ طلبه ای با تعدادی دانشجو در قطار است که آداب دعا و شرایط استجابت دعا را مرور می کند.

گفتنی است این کتاب را برای مخاطبان عمومی تألیف کرده و ابعاد دیگر بحث را به سبب محدودیت حجم و رعایت حوصلهٔ مخاطبان و نیز پرهیز از مباحث تخصصی مطرح نکرده ایم. خوانندگان علاقه مند برای مطالعهٔ بیشتر می توانند به منابع تخصصی نیز مراجعه کنند.

ص:۸

۱. خدا حرف ما رو نمی شنوه!

تصویر



ص:۹

روحانی جوان غرق در مرور برنامه های خود برای مراسم شب قدر، مصمم به سوی مسجد گام برمی داشت. از مدت ها پیش، انتظار فرارسیدن چنین شبی را می کشید. ترکیب شوق و هیبت، تابلوی آن شب را در ذهن روحانی زیباتر کرده بود. یک چهارراه مانده به مسجد، چند جوان مشغول خوش وبش بودند که با دیدن روحانی، نگاهی شیطنت آمیز به هم کردند. سپس، یکی از آن ها با لحن معناداری صدا زد: «حاج آقا، التماس دعا!»

روحانی مکثی کرد و گفت: «سلام بچه ها، امشب شما باید برای ما دعا کنین.»

آرش که شلوار لوله تفنگی اش تو چشم می زد، اهل آن محل نبود و حاج آقا را نمی شناخت؛ برای همین، فکر نمی کرد روحانی این طور واکنش نشان دهد. کمی فکر کرد و گفت: «نه، حاج آقا، بهتره که خود شما دعا کنین. خدا فقط خدای پول دارها و مسجدی هاست؛ چند ساله که بی خیالِ ما شده. ما هم بی خیال او.»

روحانی درنگ کرد و با مهربانی نزدیک شد و گفت: «از کجا می دونی بی خیال شما شده؟»

آرش که فکر نمی کرد متلکی بی خودی به بحثی جِدی منجر شود، بـدون اینکه خودش را گم کنـد، پاسخ داد: «شده دیگه. چند ساله هرچی بهش می گیم، جواب نمی ده. مثل اینکه هرچی بـدبختی و گرفتاریه، برای ماست و هرچی خوشـیه، برای پولدارها. هرچی بهش می گیم لااقل دل طرف رو با ما نرم کنه، نمی شه. خوبه چیز سخت ازش نخواستیم!»

روحانی به سـرعت دریافت که آرش چه مشـکلی دارد و مصـمم شـد کمکش کنـد. او فهمیده بود که تصور آرش، مانند خیلی از مردم دیگر، این است که مسـتجاب نشـدن دعا یعنی قهر خدا با بندگان؛ زیرا بسـیاری از مردم خدا را فقط برای حل مشـکلات خویش در آخرین مرحله به یاد می آورند. به هرحال، معصومیت نگاه آرش کافی بود که هر مؤمن دلسوزی را برای کمک کردن به او تحریک کند.

روحانی لبخنـدی زد و گفت: «ببینیـد بچه ها، بعضـی بحث ها مسائل سـرنوشت ساز زنـدگی آدمه که دستِ کم یه بار به صورت جدی باید به اون فکر کنیم. سؤال شما هم از همین

مسائله.» بعد رو به آرش کرد و گفت: «اسمت چی بود جوون؟»

- آرش.

- آقا آرش، از کجا می دونی خدا با تو قهر کرده و بی خیالت شده؟

آرش آهی کشید و گفت: «خب دیگه. این همه ما صداش کردیم، جواب نداد.»

- شاید به صلاحت نبوده.

آرش این جمله را قبلاً هم شنیده بود؛ ولی هیچ وقت فرصت فکر کردن دربارهٔ آن را نداشت؛ لذا سریع پاسخ داد: «یعنی چی حاج آقا؟ با یه کلمه خیال خودتون رو راحت می کنین. مگه می شه کسی رو دوست داشته باشی؛ ولی به فکرش نباشی. مگه می شه ببینی یه کسی التماست می کنه و تو هم می تونی مشکلش رو حل کنی و فقط با یک کلمهٔ «به صلاحت نیس»، از سر خودت واکنی؟ اون اگه ما رو هم مث بقیه می خواست، جوابمون رو می داد. اینا همش بهونس.»

- پس هرکی جواب کسی رو نمی ده، دوستش نداره؟! هر کسی حرف از مصلحت می زنه،

بهونه می آره؟! بذار مثالی بزنم تا معلوم بشه مهربانی و مصلحت سنجی چه نسبتی با هم دارن: پسربچهٔ پنج ساله ای رو فرض کن که سرطان خون داره و پزشکان تنها به جلسات پی درپی و مرارت بار شیمی درمانی امید دارن.

بعد از جلسهٔ اول که چند روز تهوع و بی حالی و سرگیجه به همراه داشت، مادر قصد داره اون رو برای دومین جلسه به بیمارستان ببره. الماس های اشک یکی یکی از گونه های پسرک سُر می خوره و با همهٔ وجودِ خودش به مادر التماس می کنه که او رو به بیمارستان نبره. دستش رو از دست مادر می کشه و پا به زمین می کوبه که «مامان، به خدا نمی تونم تحمل کنم. جون هر کی دوست داری، منو نبر. اگه منو دوست داری، نبر. جون بابا منو نبر.» مادر که دریای دلسوزی است، سرزنش های کودک دلبندش رو تحمل می کنه. سعی می کنه کودک رو آرام کنه و آهسته می گه: «قربونت برم. باید بریم. اگه نریم بدتر می شی. باید بریم که زودتر خوب بشی. به نفع خودته که بریم.» پسرک که از حرف های مادر سر درنمی آره،

به زور راهی می شه. در مسیر برگشت از بیمارستان، چشم پسرک به کودکانی افتاد که در راه برگشت از مدرسه، به ساندویچ فروشی نزدیک مـدرسه هجوم آورده بودن و یکی یکی بیرون می اومـدن. چهرهٔ پرنشاط اونا توجه هر رهگـذری رو جلب می کرد که همهٔ انرژی شون رو در دندان های خود جمع کرده و ساندویچ نیم متری رو می بلعیدن. پسـرک بیمار بی حال و خسته به مادر گفت: «مامان، ساندویچ برام می خری؟ مـادر کـه حیرون مونـده بـود کـه چگـونه ایـن درخـواست رو هـم رد کنه، گفت: «نه، مامـان جـون؛ برات خـوب نیست.» پسـرک که داشت از عصبانیت دِق می کرد، گفت: «همش نه نه. فقط همین رو بلدی. هرچی می خوام میگی برات خوب نیست.» مادر که تنها آرزوش این بود که بتونه حرف هـای خودش را حالیِ پسـرک کنه و مهربونی اش رو مثل گذشـته اثبات کنه، سـرش رو به شـیشهٔ تاکسـی تکیه داد و از چشـمانش اشکی چکید و خوابش برد.

ص:۱۴

پونزده سال گذشت. پسرک جزو نفرات برتر کنکور شده بود و مادر داشت براش تعریف می کرد که اون روز ا که درخواست پسر رو اجابت نکرده بود، چقدر دوستش داشت و اگه احساساتش رو با تدبیر مدیریت نمی کرد، چه خیانتی به او کرده بود. مادر از اینکه اکنون فرزندش به بلوغ رسیده و می فهمه اون روز چه چیزی به صلاحش بوده، خیلی خوش حال بود... .

روحانی نفس عمیقی کشید و رو به آرش چند سؤال کرد: «اینکه مادر درخواست فرزندش رو اجابت نکرد، علامت دوست داشتن مادر بود یا دوست نداشتن مادر؟ حالا مهربونی خدا بیشتره یا مادر؟ اصلاً چه کسی مادر رو مهربون آفرید؟ حکمت و مصلحت سنجی مادر بیشتره یا خدا؟ چرا خدا دعای بنده رو مستجاب نمی کنه؟ نمی تونه؟ یا می تونه و به خاطر بغض و کینه نمی خواد اجابت کنه؟ خودم می گم: این خدا به همون اندازه که مهربونه، حکیم و مصلحت سنج هم هست. اتفاقاً چون ما رو دوست داره، برخی دعاهامون رو مستجاب

نمی کنه. منتها ما هم مثل پسرک، تا به بلوغ نرسیدیم و حقیقت نفع و ضرر رو نفهمیدیم، فکر می کنیم اینا بهونه است.»

چند دقیقه ای می شد که حاج آقا و بچه ها کنار خیابان ایستاده بودند. حاج آقا از طرفی نگران مدیریت برنامه های مسجد بود و ازطرفی هم نمی خواست حرفش با بچه ها نیمه تمام بماند. پیشنهاد کرد کم کم به سوی مسجد حرکت کنند تا هم نظارتی بر نظم برنامه ها داشته باشد و هم گفت وگویشان را آنجا ادامه بدهند. بچه ها هم نگاهی به هم کردند و قبول کردند.

ص:۱۶

۲. چرا از ما اجابت نمی شه؟

تصویر



ص:۱۷

آرش کمی آرام شده بود؛ اما دوست نداشت مثل بقیهٔ بچه ها به حرف های روحانی عمیق فکر کند؛ برای همین شتاب زده گفت: «اینا که می گید درست؛ ولی آخه چرا همیشه دعای ما رد می شه و دعای بقیه قبول می شه. چرا همیشه مصلحت ما در اینه که دعامون رد بشه و مصلحت بقیه اینه که مستجاب بشه؟»

خوب که حرف هایش را زد، حاج آقا لبخندی زد و گفت: «مطمئنی هرچه خواستی اجابت نشده؟» آرش شوکه شد. «مطمئنی هرچه دیگران خواسته اند، اجابت شده؟ مگه تو از دعا های اونا خبر داری؟»

آرش می خواست بازهم مثل بعضی ها که عادت به فکرکردن ندارند، چیزی بگه؛ ولی نگاه بچه ها اون رو از جواب عجولانه منصرف کرد. حاج آقا برای اینکه گفت وگوی صمیمی آن ها حالت مناظره با آرش نداشته باشد، رو به بقیه گفت: «معمولاً پزشک بیمارستان همراه دارو برای بیماران بستریِ یک اتاق، غذا هم تجویز می کنه؛ مثلًا برای یکی غذای کم نمک،

برای دیگری کباب برگ، برای اون یکی سبزیجات پخته تجویز می کنه و برای آخری هم که قراره عمل بشه، می گه معده اش باید خالی باشه و به جای غذا، هوا بخوره! تا حالا شده یکی از بیماران به اینکه غذاش با بقیه فرق داره، اعتراض کنه؟»

لبخند روی لب بچه ها نشست. یکی شان گفت: «اگه اعتراض کنه، می گن از بیمارستان به تیمارستان منتقلش کنن.»

- چرا؟

- چون به خیرخواهی دکتر اعتماد دارن و می دونن دکتر با هیچ کسی پدرکشتگی یا پارتی بازی نداره.

- زنده باد! آیا ما به اندازهٔ پزشک، به خدا اعتماد داریم؟

در حین صحبت بودند که به مسجد رسیدند. در حیاط شور و حالی بود و جوان ها هریک مشغول کاری بودند. نگاهشان که به حاج آقا و بچه ها افتاد، با علاقه، نزدیک در شدند

ص:۱۹

و به بچه ها خوش آ مد گفتند. حاج آقا هم از وضعیت برنامه ها پرس وجویی کرد و برای اینکه حواس مردم پرت نشود، گوشهٔ حیاط بحث را ادامه دادند. کم کم دوستان آرش هم احساس کردند می توانند با حاج آقا ارتباط برقرار کنند. یکی از آن ها پرسید: «یعنی شما می گید همهٔ اونایی که دعا می کنن از فقر نجات پیدا کنن، به صلاحشون نیس؟»

– ما به همهٔ ابعاد مستجاب نشدن دعا دسترسی نداریم. اگه بقیهٔ چیز ایی که باعث می شه دعا مستجاب نشه موجود نباشه، می تونیم بگیم به صلاحشون نبوده.

– یعنی هر فقیری پول دار بشه، به گناه می افته؟ خانواده های متدیّن چی؟

یکی دیگر از بچه ها حرفش را قطع کرد و گفت: «فقط گناه و عیاشی که نیس.گاهی اوقات مشکلات دیگه پیدا می شه.»

حاج آقا پرسید: «مثلاً چی؟»

– مثلاً ما یه فامیل داشتیم که کارمند بودند و خیلی با هم خوش بودن. بچه ها وضعیت

پـدر رو درک می کردن و توقعی نداشـتن. بعد از چند سال، ورق برگشت و جزو مایه دار های فامیل شدن. اول خونه و ماشـین و وسایل خونه رو عوض کردن. تا اینجا هم مشـکلی نبود. بعد از چند وقت، پسرِ هفده ساله و دخترِ نوزده ساله اش هوس ماشین کردند. حالا پدر خونواده نه صلاح می دونه که براشون ماشـین بخره و نه بهونه ای برای نخریـدن داره. خـانمش هم هر روز سـفارشای جدیـد می ده. خلاصه اینکه فضای صمیمی خونهٔ اونا تبدیل شده به بنگاه تجاری و بسـتانکاری و طلبکاری و... . پدر خونواده گاهی می گه کاش تو همون وضع بودیم و آرامش و خوشی قبل رو داشتیم.

- یه نکتـهٔ مهم دیگه هم هست و اون اینکه دعـا یعنی درخواست بنـده از خـدا. یـادمون بـاشه درخواست غیر از دسـتور و طلبکاری است. خـدا خداست و ما بنده ایم. نباید دریای کَرم او و کثرت آرزو های ما این رابطهٔ خدایی و بندگی رو از یادمون ببره و حالت طلبکاری پیدا بشه. هیچ وقت از خودمون پرسیدیم که ما چقدر به وظایف بندگی عمل کردیم که الآن

ص:۲۱

این طور طلبکارانه حرف می زنیم؟

بحث تازه سر گرفته بود که حاج آقا با اشاره به صدای بلندگو گفت: «فراز های آخر جوشن کبیره. کم کم باید برای احیا آماده بشیم.» بعد هم برای اینکه بـا نگاهش کسـی را مجبور به آمـدن به مراسم نکنـد، خودش جلو راه افتاد و گفت: «هرکـدوم دوست داریـد بیاییـد. قـدمتون روی چشم.»

...دم دمای سـحر بود که آرش با چشـمانی بادکرده از مسـجد خارج می شـد. تازه فهمیـده بود چقـدر خدا را دوست دارد و آرزو می کرد ای کاش زودتر با این روحانی آشنا می شد. موقع خروج از مسجد، حدیثی روی تابلو توجهش را جلب کرد که نوشته بود: حضرت علی فرمودند: «کَرم خداوند متعال حکمت او را نقض نمی کند و به همین سبب است که برخی دعا های انسان مستجاب نمی شود.»(۱)

ص:۲۲

۱- . بحارالانوار، ج۹۳، ص۳۶۱، حدیث ۲۳.

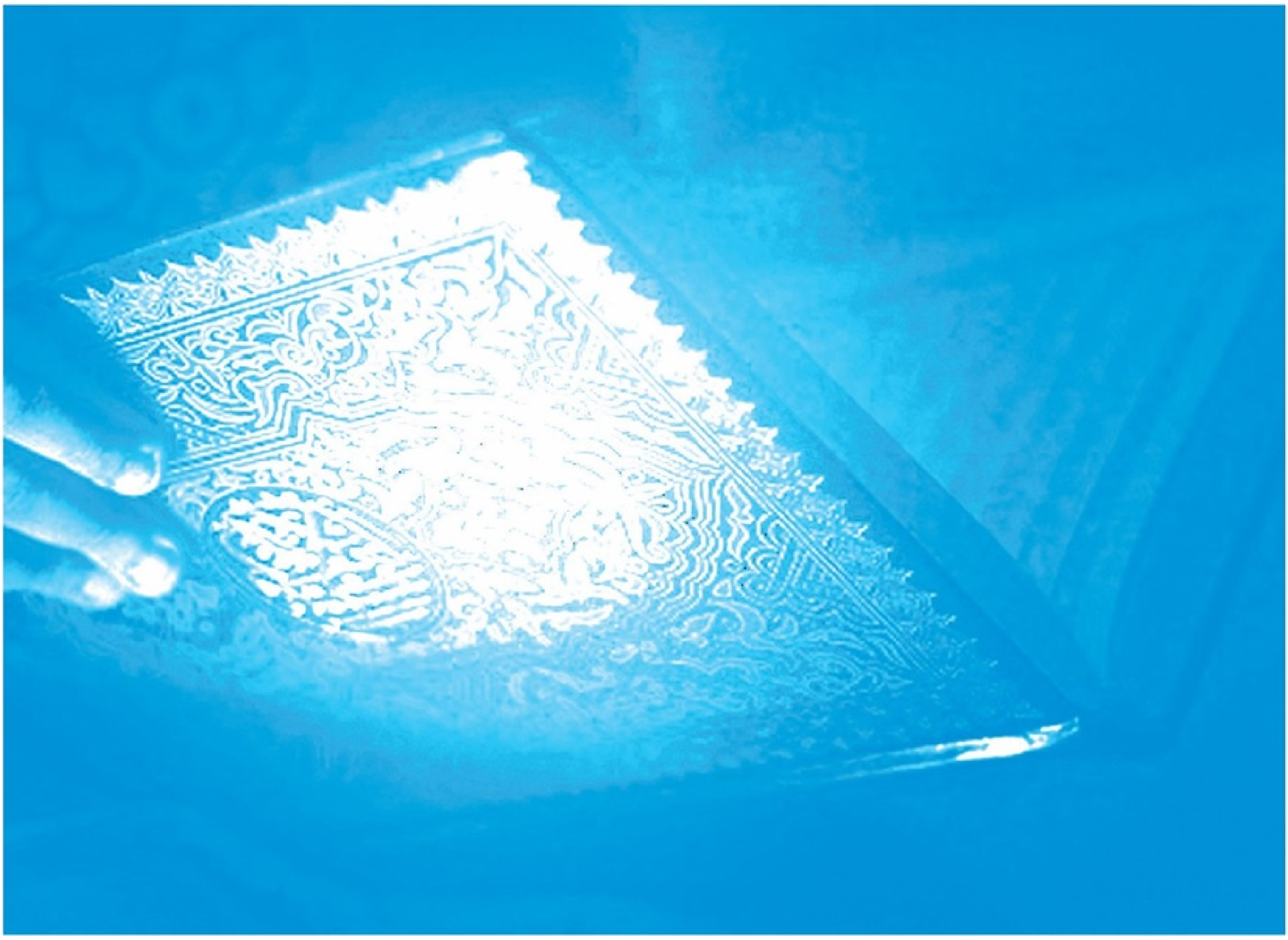
۳. دعای ما یا قانون هستی؟

تصویر



ص:۲۳

تصویر



مینا بی حوصله به سمت دانشکدهٔ فنی حرکت کرد. عمداً قدم هایش را با کُندی و سنگینی برمی داشت تا دیرتر به کلاس برسد و فقط غیبت نخورد. کلّی خودش را سرزنش کرد که چرا چوب خط غیبتش را پر کرده و حالا ـ مجبور است به کلاس برود. پشت درِ کلاس، موهایش را زیر روسری کرد و وارد کلاس معارف شد. صندلی خالی پیدا کرد و نشست. استاد مثل همیشه بحث را با گفت وگو پیش می برد. مینا هم غرق در مشکلات خانوادگی و بگومگو های پدر و مادرش بود که موضوع بحث استاد با یکی از دانشجویان، توجهش را جلب کرد.

- استاد، شما عادت دارین با بحث های شعاری و اصطلاحات سنگین مسائل رو پیش ببرین. اگه واقعاً خدا ما رو دوست داره، چرا جواب میلیون ها انسان رو که با دل شکستگی صداش می زنن، نمی ده؟ آیا باز هم می خواید بگید درخواست بندگان به مصلحتشون نبوده؟ این همه آدم فقیر که می خوان مشکلاتشون حل بشه، خدا رو صدا می زنن. این همه مردم محروم و مظلوم زیر بار ظلمن و خدا رو صدا می زنن...

ص:۲۵

یکی دیگر از بچه ها ادامه داد: «استاد، ما این همه برای فرج امام زمان دعا کردیم. نیومد. این همه مردم مظلوم دعا کردند. نیومد. اینکه دیگه بحث دنیا و به گناه افتادن و ظرفیت نداشتن و این چیز ا نیست.»

دخترخانمی از گوشهٔ کلاس، رشتهٔ بحث را از این دو نفر گرفت و گفت: «آره، استاد. ما خیلی وقتا اصلاً برای دنیا دعا نمی کنیم که شما بگید به مصلحتتون هست یا نیست. من مدت هاست از خدا می خوام من رو به مقامات معنوی برسونه و مثل آقای بهجت و... بشم. ما هم دوست داریم کربلا و مکه مُشرّف بشیم؛ ولی هیچ خبری نمی شه.»

مینا هم که برخلاف کلاس های دیگر، معمولاً در گفت وگوی کلاس معارف شرکت نمی کرد، مردد بود چیزی بگوید یا نه؛ ولی فضا را خودمانی دید و پنهانی داستان زندگی خودش را موضوع بحث کلاس قرار داد: «استاد، ما خونواد ه ای رو می شناسیم که توی اون، پدر و مادر سال هاست با هم اختلاف دارن و با هم درگیرن. خونه شون تبدیل شده به

توپ خونه. پدر از این طرف شلیک می کنه و مادر از اون طرف جواب می ده. بچه ها هم که گوش نصیحت پذیری در اونا نمی بینن، چار ه ای جز دعا نـدارن؛ ولی مثل اینکه خـدا فقط مصـلحت می دونه دعای مـذهبی ها رو اجابت کنه؛ اما چون صدای ماهواره مون بلنده، صدای ما غیرمذهبی ها را نمی شـنوه! واقعاً بچه ها چه گناهی کردن که باید تو این خونهٔ بدتر از جهنم بسوزن. آیا واقعاً خدا به این راضـیه؟ آیا اینجا هم آرامش داشتن خانواده به مصلحت اونا نیست؟»

خوب که مینا و بچه های دیگر حرف هایشان را به کرسـی نشاندند و به نظر خودشان، دادگاه محاکمهٔ خدا را گرم کردند، استاد گفت: «اجازه بدیـد سؤالی بـپرسم: دانش آموزی رو در نظر بگیرین که در سـال آخر دبیرسـتان و در وضـعیتی که تمـام هم دوره ای هـاش مشـغول تست و آزمون هسـتن، سرگرم پارتی و بازی و تفریحه. بعد در شب امتحان، با عجز و لابه، خداوند رو به شیرخوارهٔ امام حسین قسم می ده که فردا نفر اول کنکور بشه. به نظر شما

رفتار او معقوله؟»

– نه.

– مگه خداوند مهربان نیست؟ از خدایِ خدا چیزی کم می شه که او هم دعاش مستجاب بشه.

کلاس مانند دریای بعد از طوفان، آرام به سخنان استاد گوش می داد و کسی چیزی نمی گفت. استاد خودش سکوت را شکست و این بار با لحن رسمی چنین ادامه داد: «حکمت و مصلحت از عوامل مستجاب نشدن دعاست. غیر از حکمت، چیز های دیگری هم هست: خداوند در جهان هستی قوانینی را قرار داده که جهان را طبق همان ها اداره می کند؛ مثلاً قانون طبیعت این است که اگر قرار است گُلی بروید، باید دانه ای در خاک بکارید و به آن آب بدهید. حال اگر کشاورزی دانه را به جای خاک، درون گران ترین طلا ها بکارد و به جای آب، بنزین سوپر پای آن بریزد، هر چقدر هم با دل شکسته دعا کند، گُلی از آنجا نمی روید. این به سبب نامهربانی خدا یا ناتوانی او نیست. وقتی خواستهٔ انسان از قوانین حاکم بر هستی

خارج باشد، ارادهٔ خدا نیز به آن تعلق نمی گیرد؛ زیرا خود خدا این قوانین را بر نظام عالَم برقرار ساخته است. اگر کسی می خواهد گُلی داشته باشد، بایـد دانه را در خاک حاصلخیز بکارد و آب و نور مناسب به آن برساند و...؛ بعد دعا کند که خداوند دانه را به ثمر برساند. کسـی که می خواهـد نفر اول کنکور شود، بایـد ابتدا برنامه ریزی کند و ماه ها به طور منظم درس بخواند و تست بزند و بعد، از خدا بخواهد که فعالیت های او نتیجه بدهد؛ نه اینکه درس نخوانده باشد و فقط دعا کند. بسیاری از چیز هایی که ما عاجزانه از خدا می خواهیم، مانند دعاکردن همین کشاورز و دانش آموز است؛ ولی خودمان به نامعقول بودن آن توجه نداریم و دائماً خدا را سرزنش می کنیم.

کسی که می خواهـد به مقامات معنوی برسـد، بایـد ابتـدا روش صـحیح سـلوک را از اهل معنا بپرسد؛ بعد مراحل مختلف آن را قدم به قدم با تلاش و مجاهدت طی کند و از خدا بخواهد که تلاش هایش نتیجه دهد. انسانی که پس از مطالعهٔ حالات اولیای خدا، هوس

آدم شـدن کرده و بـدون زحمت از خدا می خواهد به مقامات معنوی برسد و با ائمه مأنوس و محشور باشد، مانند کسـی است که حسـرت نفر اول کنکور شـدن را دارد و فقـط دعا می کنـد. حل اختلافات خانوادگی نیزماننـد هر هـدف دیگری، نیازمنـد فراهم ساختن زمینه و مقـدماتی است. ابتدا دو طرف باید با اسـتفاده از تجربیات متخصصان متعهد، مشکل اصلی خود را شناسایی کنند؛ سپس یاد بگیرند برای رفع آن چه کار هایی بکننـد. بعـد تک تک توصـیه های ایشان را موبه مو اجرا کننـد و در کنار همهٔ این ها، از خدا بخواهند فعالیت های ایشان مؤثر واقع شود. دعا کردن چیزی خارج از قوانین و سـنت های الهی نیست؛ بلکه خود، قانون و سـنتی الهی در کنار دیگر قوانین است. متأسفانه، ما عادت کرده ایم تاوان تنبلی ها و بی مسئولیتی های خود را به گردن نامهربانی خدا بیندازیم.»

این سـخنان برای مینا تازگی داشت و شاید اگر مانند بقیه، بیشتر روی آن ها فکر می کرد، قانع می شد؛ ولی او دختری پرشور و سرسـخت بود و دوست نداشت در اولین برخورد با استاد

ص:۳۰

معـارف، به این زودی از میـدان خـارج شود. لـذا رو به اسـتاد گفت: «ببخشـید. اگه ممکنه این بحث هـای فلسـفی و پیچیـده رو کنـار بـذارین. موضوع این قدر ها هم سخت نیست. خود خدا در قرآن گفته من دعای همه را مستجاب می کنم. این جملهٔ ساده این همه صغرا و کبرا ندارد.»

اسـتاد از مقاومت ناشیانهٔ مینا خوشش آمد؛ لذا به آرامی پرسید: «همان خدا نیز گفته من به همه روزی می دهم؛ اما آیا روزی دادن او با اسباب و وسایل است یا اینکه برای هرکسـی، سرِ ساعت مقرر، ظرفی غذا از آسـمان می فرسـتد؟» مینا ساکت بود و استاد ادامه داد: «همان خدایی که قرآن رو فرسـتاده، برای اینکه ما با برداشت های سـطحی وقت خودمان را تلف نکنیم، کسانی رو در فهم قرآن معرفی کرده که سخن گویان و مفسّـِران قرآن انـد. خوبه برای فهم معنـای همین آیه ای که گفتی، به این سـخن امـام صادق نیز توجه کنیم: "دعای چهار گروه مسـتجاب نمی شـود: مردی که در خـانه اش نشسـته و از خـدا طلب روزی می کنـد، در جـواب به او گفته می شود آیـا تو را مـأمور به کسب روزی نکردیم؟ مردی که علیه همسرش

دعـا می کنـد، به او گفته می شود آیـا اختیـار و زمـام خـانواده را به تو نسپردیم؟ مردی که دارایی خود را به بـاد داده و اکنون طلب روزی می کند، به او گفته می شود آیا تو را به میانه روی و اعتدال دسـتور ندادیم؟ و مردی که بدون شاهد و مدرك، پولی به کسی قرض داده و اکنون برای وصول طلب خود دعا می کند، به او گفته می شود که آیا تو را به گرفتن شاهد و مدرك امر نکردیم؟"(۱) همون طور که می بینی، تمام کسانی که طبق این حدیث دعاشون مستجاب نمی شه، کسانی هستند که می خوان همهٔ کارها خارج از قوانین الهی و اسباب عادی جریان پیدا کنه؛ لذا دعا را وسیلهٔ جبران بی مسئولیتی خود تلقی کرده اند.»

ص:۳۲

۱- . اصول کافی، ج۲، ص۵۱۱.

۴. گناه ما و اسباب اجابت

تصویر



ص:۳۳

تصویر



ص:۳۴

بحث که به اینجا رسید، سروصدا و تلاطم بچه ها فروکش کرد. مثل اینکه خیلی ها جوابشان را گرفته بودند و خیلی ها هم به فکر فرورفته بودند. یکی دیگر از دانشجویان پرسید: «آیا گناه کردن نیز مانع استجابت دعا می شه؟»

- بله، در روایات آمده که گاهی بند ه ای دعایی می کنه که در آستانهٔ استجابت قرار داره و سپس گناهی مرتکب می شه. اون وقت خداوند به فرشتگان می فرماید: «حاجت او را برآورده نسازید؛ زیرا نافرمانی مرا کرده است.»(۱) همچنین خداوند به عیسی فرمود: «دعای کسی را که ظلم به دیگری کرده است، اجابت نمی کنم.»(۲) این دو روایت هم بیانگر یکی دیگه از قوانین الهی است: خداوند مقرر کرده که دعای گناهکار و ظالم مستجاب نشه، همان طورکه مقرر کرده دونه ای که به جای خاک در طلا کاشته بشه، ثمر نده.

۱- . بحارالانوار، ج۷۳، ص۳۲۹، حدیث ۱۲.

۲- . خصال، ص۳۳۷، حدیث ۴۰.

مینا از شنیدن این همه قانون و سنت گیج شده بود و ازطرفی، حوصلهٔ تحلیل مباحث را هم نداشت؛ لذا هرچیزی که به ذهنش می رسید، بدون آنکه قدری زحمت فکر کردن به خودش بدهد، می پرسید. این بار هم بلافاصله از استاد پرسید: «آخه گناه کردن دیگه چه ربطی به دعا و بدبختی های ما داره؟ خدا اگه می خواد، باید دعای ما رو مستجاب کنه دیگه.»

– قبول داری که گناه نیز یکی از واقعیت های عالَمه؟

– متوجه منظور شما نمی شم؟

– یعنی اینکه راه رفتن یه واقعیته، آتیش گرفتن کاغذ یه واقعیته، غذاخوردن یه واقعیته، سَم خوردن یه واقعیته و گناه هم مثل این ها، واقعیتی است در عالَم.

– بله، درسته.

– قبول داری که هریک از واقعیات آثار و نتایجی دارن؟ مثلاً نتیجهٔ غذاخوردن، سیرشدنه و نتیجهٔ سَم خوردن، مسموم شدن.

- اوم... خب بله.

- گناه هم برای خودش آثار و نتایجی در عالَم هستی داره. ما انسان ها چون بیشتر با چیزای محسوس سروکار داریم، عادت کرده ایم که فقط به خواص و نتایج محسوس توجه کنیم، مثل سیر شدن و مسموم شدن. خبر نداریم که کار های بسیاری نتایج غیرمحسوسی در عالَم دارن که خودش می تونه قانون محسوب بشه. برای مثال، نتیجهٔ گناه کردن کم شدن روزی و داشتن اضطراب و همچنین مستجاب نشدن دعاست. این هم یکی از قوانین خداوند در عالَمه.

- پس اینکه قرآن گفته «هرکسی دعا کند، دعایش مستجاب می شود» تعطیل شد؟ [با خجالت از صراحت لهجهٔ خودش، سریع جمله اش را به شکل دیگر ترمیم می کند] بالاخره این آیه درست است یا این روایت یا حکمت و چه می دونم، مصلحت و این چیزا؟

- هیچ یک تعطیل نشد و همهٔ اونا درستن؛ ولی باید منظور آیه و روایات رو دقیق بفهمیم.

بذار مثالی بزنم: معنای جملهٔ پزشکی که می گه «این نسخه قطعاً شفابخش است» چیه؟ آیا معناش اینه که اگه هرطور که خواستی این دارو رو مصرف کنی، شفا می یابی؟ حتی اگر سرِ ساعت نباشه یا در کنار اون، هزار ناپرهیزی بکنی؟

- نه، معناش این نیست.

- پس چیه؟

- معلومه دیگه.

- معناش اینه که هرکی این نسخه رو طبق شرایط مصرف کنه، شفا می یابه؛ یعنی سر ساعت و طبق دستورهای پزشک و همراه با پرهیز هایی که پزشک معرفی کرده. پس بهترین نسخه هم اگر با شرایط مصرف نشه یا همراه با ناپرهیزی باشه، باز نتیجه نمی ده. درسته؟ پس هم باید شرایط مصرف دارو رعایت بشه و هم موانع تأثیر اون رو از بین ببریم. بر این اساس، در دعا هم یک سری شرایط برای اجابت دعا معرفی شده، مثل معرفت به خدا، کسب

ص:۳۸

روزی حلال، داشـتن حضور قلب، احساس نیاز واقعی و... . یک سـری موانع نیز وجود داره، مانند گناه و ظلم. پس دعا زمانی ممکنه مسـتجاب بشه که هم شرایطش مهیا باشه و هم مانعی برای تأثیرگذاری دعا وجود نداشته باشه.

- بله.

- حالا بیاییم سـراغ آیه. معنای آیه این نیست که صِرف اینکه کسـی دعا کنه، هرچی بخواهد، محقق می شه؛ چون ممکنه خواستهٔ او با قوانین هستی در تعارض باشه. همچنین معناش این نیست که حتی اگه دعاش مخالف حکمت و مصلحت باشه، اجابت می شه. نیز، معناش این نیست که اگر خواسته اش بـا گنـاه و ظلم توأم بـاشه، اجابت می شه؛ بلکه معناش اینه که هر بنـد ه ای که دعا می کنه، دستِ خالی باز نمی گرده. به بیان دیگه، با تحقق این شرایط خواستهٔ بنده محقق می شه: ۱. خواستهٔ بنده به صلاحش و نیز همسو با قوانین الهی

ص:۳۹

باشه؛ ۲. شرایط دعا مانند داشتن معرفت(۱) و کسب روزی حلال(۲) و... رو رعایت کنه؛ ۳. گناه و ظلم و سایر موانع اجابت دعا را مرتکب نشه. علاوه براین، اگر خواستهٔ انسان به صلاحش نباشه یا موانع دیگه ای در کار باشه، خواسته اش محقق نمی شه.

اما بدونید که این فرد دستِ خالی و بدون مزد نمی مونه و خداوند پاداش دیگه ای براش درنظر می گیره؛ مثلاً ـ گناهاش رو می آمرزه یا برکات دیگه ای به زندگی او می ده یا بلاـ های دیگری از او دفع می شه. اتفاقاً در روز قیامت، وقتی انسان ها می بینن به جای دعا هایی که ازشون مستجاب نشده، چقدر بار گناهانشون سبک شده، چنین آرزو می کنن که ای کاش هیچ دعایی از ایشون مستجاب نمی شد و به جای اون، بدون گناه وارد محشر می شدن.

به هرحال، معنای آیه اینه که دعا مساوی است با اجابت؛ ولی اجابت لزوماً به معنای تحقق

۱- . بحارالانوار، ج۷۸، ص۱۱۳، حدیث ۷.

۲- . بحارالانوار، ج۹۳، ص۳۵۸، حدیث ۱۶.

خواستهٔ ما نیست؛ چون ممکنه به صلاحمون نباشه یا اینکه موانعی رو خودمون ساخته باشیم، مثل همین گناه کردن که درحکم ناپرهیزی برای بیماره. اگر بیمار دارو رو سرِ ساعت و طبق دستور مصرف کنه، ولی در کنار اون، ناپرهیزی کنه، اثر دارو از بین می ره. به همین شکل، کسی که گناه می کنه، اثر عبادت و دعا رو از بین می بره... . بچه ها، باید عادت کنیم برای فهم روایات و آیات، همهٔ اونا رو کنار هم و با یک نگاه منسجم و نظام وار بررسی کنیم. در این صورت، فهم عمیق تر و زیباتری از معارف دین پیدا می کنیم.

وقت رو به پایان بود و استاد احساس کرد بچه ها خسته شده اند؛ لذا آخرین نکته دربارهٔ مستجاب نشدن دعا را با این شعر بیان کرد:

ای بسا مخلص که نالد در دعا *** تا رود دود خلوصش بر سَما

پس ملائک با خدا نالند زار *** که ای مجیب هر دعای مُستجار

بندهٔ مؤمن تضرع می کند *** او نمی داند به جز تو مستند

ص:۴۱

تو عطا بیگانگان را می دهی *** از تو دارد آرزو هر مُشتَهی

حق بفرماید: نه از خواری اوست *** عین تأخیر عطا یاریِ اوست

خوش همی آید مرا آواز او *** و آن خدایاگفتن و آن راز او

استاد این شعر را خوانـد و کلاس را تمام کرد. بچه ها کم کم از کلاس خارج می شدنـد. عـد ه ای هم دور استاد را گرفته بودنـد و پرسـش هایشان را ادامه می دادنـد. مینا که تاکنون فکر می کرد فقط در علوم ریاضـی، همه چیز دقیق و حساب شده است و مفهوم گناه و دعا و... را با نگاهی عرفی و عامیانه فهمیـده بود، از این همه دقت و قاعـده مندی احساس تعجب و رضایت می کرد. برای نخستین بار بود که دربارهٔ این ها فکر می کرد... .

ص:۴۲

۵. آداب دانیِ دعا

تصویر



ص:۴۳

تصویر



ساعت چهار بعـدازظهر سـیزده رجب، محمـد هنوز در ترافیک خیابان نواب گرفتار مانـده بود. مضـطرب و نگران بود از اینکه نتواند به موقع به ایسـتگاه راه آهن برسـد. قطار مشـهد ساعت پنج بعدازظهر حرکت می کرد و باید زودتر خودش را به ایسـتگاه می رساند. ازطرفی هم خداخدا می کرد که هم کوپه ای هایش با او هم فکر باشند. در همهٔ سفر هایی که با قطار رفته بود، برایش مهم بود که با چه کسانی چندین ساعت هم نشـین و هم سـفر می شود. بالاخره او طلبه بود و نوع پوشش و رفتار باوقارش کاملاً برای بیننده مشخص بود؛ هرچند هنوز به سن و سطح سوادِ مُعَمّم شدن نرسیده بود.

به هرترتیب، یک ربع قبل از حرکت به ایستگاه رسید. در سالن قطار، بلیط به دست دنبال کوپه اش می گشت تا بالاخره پیدا کرد. داخل کوپه، سه جوان دیگر نشسـته بودنـد و مشـغول جابه جا کردن ساک هایشان بودنـد. سـلام کرد و وارد شد. بعد از صـحبت ها و تعارف های معمول، فهمید که هم سفرانش دانشجوی رشتهٔ صنایع دانشگاه علم و صنعت اند. هر سه

اهـل تهران بودنـد و نام هایشان محسن و صـدرا و علیرضا. آنان نیز ماننـد خودش قصـد داشـتند لیله الرغائب (شب آرزوها) را مهمان امام رضا باشـند. قطار خیابان ها و محل های تهران و شـهر ری را پشت ِسـر می گـذاشت و محمد خیره خیره به سـرخی خورشـید در امتداد افق نگاه می کرد. دل توی دلش نبود: یک سال بود و یک لیلهالرغائب. بعـد از مدتی تماشا، کتاب اصول کافی را از کیفش درآورد و مشـغول مطالعه شد. بچه ها که متوجه شدند محمد طلبه است، دوست داشتند سر صحبت را باز کنند.

محسن شروع کرد: «ما که این همه راه تا مشهد می رویم، آیا واقعاً دعای ما مستجاب می شود؟»

محمد با لبخند واکنش نشان داد: «اتفاقاً الآن داشتم روایتی در همین موضوع می خواندم که نسبت دعا

ص:۴۶

و استجابت، مانند نسبت ابر و باران است(۱) و خداوند حیا می کند از اینکه دعای بنده اش را مستجاب نکند.»(۲)

صدرا با خوش حالی گفت: «پس خیلی باید امیدوار باشیم.»

– نه تنها باید امیدوار باشیم، بلکه باید یقین داشته باشیم که دعایمان مستجاب می شود؛ گویی اجابت هم اکنون پشت در خانهٔ ما منتظر است تا ما دعا کنیم.(۳) خود دعا کردن و طلب کردن اهمیت دارد و باعث رشد انسان می شود، تاآنجاکه گفته اند: «دعا مغز عبادت است.»(۴) برای همین باید یادمان باشد که دعا کردن فقط برای ایام سختی و مشکلات نیست؛ بلکه انسان هرچه بیشتر رشد می کند، بیشتر نیاز به خدا را حس می کند و دست نیازش بلندتر است. اتفاقاً صدای کسی که دائماً مشغول دعاست، برای فرشتگان آشناست و وقتی در

۱- . اصول کافی، ج۲، ص۴۷۱.

۲- . همان، ص۴۷۲.

۳- . همان، ص۴۷۳.

۴- . بحارالانوار، ج۹۰، ص۳۰۰.

سختی ها درخواستی از خدا دارد، فرشتگان می گویند: «این صدا برای ما آشناست»؛ درنتیجه، زمینهٔ اجابتش فراهم می شود.(1) دعا درحقیقت، طلب درونی است؛ نه صِرف بیان الفاظ. دعا یعنی انسان، با همهٔ وجود، احساس نیاز و اضطرار کند.

علیرضا که تا حالا ـ ساکت بود، گفت: «من شنیدم انسان باید از درخواست کردن خود خسته نشود و حاجاتش را تکرار کند؛ ولی آیا این خلاف ادب نیست؟ اصلاً خدا که می داند ما چه مشکلاتی داریم؛ آیا واقعاً لازم است که ما درخواستمان را بر زبان بیاوریم؟»

- بگذارید ببینیم دراین باره حدیثی وجود دارد؟... بله...، بله اینجاست. امام صادق فرموده اند: «خداوند اکراه دارد از اینکه مردم با پافشاری، از یکدیگر درخواست کنند؛ ولی دوست دارد بندگان برای درخواست از او اصرار و استمرار به خرج دهند.»(2) البته می دانیم که

۱- . اصول کافی، ج۲، ص۴۷۲.

۲- . همان، ص۴۷۵.

اصرار و خسته نشدن از درخواست، به معنای عجله داشتن برای اجابت دعا نیست. همچنین با اینکه او نیاز های تک تک بندگان را می داند، دوست دارد ایشان درخواست خود را بر زبان بیاورند؛(۱) زیرا خودِ این درخواست کردن رابطهٔ جدید تربیتی برای بنده فراهم می کند.

محسن پرسید: «محمدآقا، دربارهٔ دعای فردی و جمعی هم دستور خاصی داریم؟»

محمد با حرکت سر به نشانهٔ تأیید گفت: «در روایات آمده است که اگر چند نفر با هم یک دعا کنند، قطعاً در آستانهٔ اجابت قرار می گیرد؛ لذا امام صادق هنگام دعا کردن، زن ها و بچه ها را جمع کرده و بعد دعا می کردند.(۲) البته بهتر است که انسان درخواست خود را برای دیگران نیز بخواهد؛ زیرا هیچ دعایی سریع تر از دعای مؤمن برای مؤمنِ دیگر اجابت نمی شود. ضمن آنکه وقتی مؤمنی برای مؤمن دیگر دعایی می کند، فرشتگان دو برابرِ همان

۱- . همان، ص۴۷۶.

۲- . همان، ص۴۸۷.

را برای او دعا می کنند(۱) و مطمئناً دعای فرشتگان بیشتر در معرض اجابت است.»

علیرضا ضمن اینکه برای محمد و بقیه چای می ریخت، پرسید: «درست است که موقعیت زمانی و مکانی هم در اجابت دعا تأثیر دارد؟»

صدرا سخن او را تأیید کرد و گفت: «برای همین است که ما می خواهیم حاجات خود را در چنین روزی و چنین مکانی مطرح کنیم.»

توضیح محمد چنین بود: «همین طور است؛ اما زمان های دیگری نیز برای دعا سفارش شده است: هنگام نزول باران، بعد از نماز صبح و عصر و مغرب، هنگام اذان و قرائت قرآن و از همه مهم تر، هنگام سحر. حضرت یعقوب وقتی خواست برای فرزندان خود استغفار کند، سحر را برای این کار برگزید.(۲) همچنین برای دعای برخی افراد امید اجابت بیشتری است؛

۱- . همان، ص۵۰۷.

۲- . همان، ص۴۷۷ و ۴۷۸.

ماننـد مریض ها، حاکمان عادل، حاجیان، مجاهـدان در راه خـدا، انسان های مظلوم، روزه داران و دعای پدر و مادر برای فرزند و دعای فرزند برای پدر و مادر.»(۱)

در ادامه، محمد به برخی آداب دعا نیز اشاره کرد: «سفارش شده است که دعا را با حمد، استغفار، تکبیر، تهلیل و از همه مهم تر، ذکر صلوات زینت بخشیم. حتی گفته اند دعای مؤمن بالای سرش سرگردان است و صلوات سبب می شود این دعا به عوالم ملکوت صعود کند.»(۲)

بچه ها تازه گرم صـحبت شده بودند که صدای مهمان دار در سالن پیچید: «نماز، نماز...» قطار برای نماز در ایسـتگاه ایستاده بود. محمد کتاب را بست و همراه دوستان جدیدش به سوی نمازخانه حرکت کرد.

۱- . همان، ص۵۰۹ و ۵۱۰.

۲- . همان، ص۴۹۱.

تصویر


نسخهٔ دیجیتالی رهنما
مرکز پخش: مشهد مقدس، نبش ورودی باب الجواد علیه السلام
فروشگاه عرضهٔ محصولات رضوی
تلفن: ۰۵۱۱-۲۲۸۵۲۰۴

ص:۵۲

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹